

سخنان والدین راستین در چهلمین روز بعد از سانحه‌ی هلیکوپتر

دیدگاه مشیتی عصر کرانه‌ی اقیانوس آرام

از نقطه نظر خواست خدا

- ایالات متحده و خط مشی آینده‌ی سازمان ملل و دنیا

رورند سان میانگ مون

بیست و هفتم اوت هشتمین سال چان ایل گوک - چهلمین روز بعد از سانحه‌ی هلیکوپتر

میهمانان گرامی که از کشورهای مختلف دنیا برای گرامیداشت این روز مشیتی و بسیار مهم به اینجا تشریف آورده‌اید! مایل هستم تا در آغاز قدردانی خود را از خدا اعلام کنم که من، همسر و تمامی همراهانمان را (در سانحه‌ی هلیکوپتر) مورد حمایت قرار داد. همینطور از تمامی کسانی که برای ما دعا کردند، خالصانه قدردانی می‌کنم.

امروز برآستی احساس فروتنی می‌کنم. در طی بیش از هشتاد سال زندگی‌ام فقط برای انجام مشیت الهی، از آزمونه‌های بسیار دشوار و موقعیتهای غیرقابل شمارش مرگ و زندگی طی طریق کرده‌ام. اگر چه تمامی دنیا بی‌خبر است، اما زندگی‌ام یک مجموعه از نبردهای سخت تنهایی من با شیطان بوده‌است.

خانمها و آقایان، خدا برآستی مشیت خود را بطور اسرارآمیزی هدایت نموده‌است. در سانحه‌ی هلیکوپتر، که برآستی هیچکس تصورش را هم نمی‌کرد، خدا دنیای روح را بسیج نموده و تضمین کرد تا شیطان نتواند به والدین راستین، یعنی به من و همسرم آسیبی برساند. این رویداد حتی در چشمان مردم عادی بسیار فوق‌العاده و بسان معجزه‌ی معجزات بود. بهر حال این واقعه بعنوان رویدادی شگفت‌انگیز، فوق‌العاده و غیرقابل قیاس در تاریخ ثبت شد.

من آشکارا اعلام کردم که سیزدهم ژانویه‌ی سال دوهزار و سیزده روز استرداد موطن خدا است که برآستی باید به واقعیت درآید و خود من تمامی زندگی و وجودم را بطور شبانه‌روزی برای این هدف فروگذاشته‌ام. آیا خدا می‌تواند مرا تنها بگذارد؟ من بعنوان نماینده‌ی جسمی خدا خواست او را بر روی زمین به انجام رسانده‌ام، در اینصورت او اگر نه از طریق رورند مون، از طریق چه کسی می‌تواند در تکمیل مشیت الهی و بازگرداندن بشریت به آغوش خود کار و تلاش داشته باشد؟

امروز همسر و من با قدردانی بسیار از الطاف عظیم الهی، و با قلبهایی مملو از شور و شوق در اینجا در برابر شما

ایستاده‌ایم. ما از جانب خدا صدا زده شده و در مقام والدین راستین تدهین شده‌ایم. انسانها یتیم‌هایی هستند که بدون والدین در نسب خونی سقوط کرده متولد شده و برای هزاران سال بدون هیچ هدفی در سرگردانی بوده‌اند. ما از جانب خدا فرمان عظیم او را در نجات بشریت و بازگرداندن آنها به حوزه‌ی او دریافت کرده‌ایم. با توجه به چهار سال آینده که در پیش روی ما است و در آخرین بخش از مسیرمان تا سال دوهزار و سیزده با فرمان به دو دنیای روح و جسم در پیشروی در تمامی جهات، ادغام سالهای یوبیل، سالهای هفتم و هشتم چنان ایل گوگ متمرکز بر فدراسیون صلح جهانی را اعلام کردیم.

در يك چنین مقطعی بود که بطور غیر منتظره من دچار سانحه‌ی هوایی هلیکوپتر شدم. با این همه در این رویداد خدا یکبار دیگر به بشریت جاهل و فاقد هرگونه روشنگری نشان داد که خدایی پابرجا و فعال است. بیایید در پیشبرد انقلاب باشکوه عشق راستین و خانواده‌های راستین با من همراه شوید. بیایید هرگز حتی برای يك لحظه هم فراموش نکنیم که ما در موقعیت زمانی حساسی قرار گرفته‌ایم که در آن باید از هر انسان ساکن دنیای امروز عضوی از خانواده‌ی برکت گرفته بسازیم.

عهد مشیت شده متمرکز بر نمایندگان ویژه‌ی والدین راستین

خانمها و آقایان، در این روز بسیار مهم، مایل هستم تا پیامی از جانب خدا را به شما عزیزان از سراسر دنیا برسانم. این پیامی است که من در سمینارهایی اعلام کردم که در تکراس و واشنگتن در سی‌ام آوریل تا دوم مه امسال رهبرانی از کشورهای آمریکای شمالی و جنوبی را گردهم آورد. بشریت اکنون در حال ورود به عهدی تازه است، یعنی عهدی که در آن خدا دنیا را واژگون خواهد ساخت. اکنون زمانی است که خدا از طریق نمایندگان ویژه که من در مقام پادشاه صلح به نقاط مختلف جهان ارسال می‌کنم، کار خواهد کرد. بعبارت دیگر این زمانی است که پادشاهی بهشتی، چنان ایل گوگ را به انجام خواهیم رساند.

خانمها و آقایان، اگر یحیی تعمید دهنده مسئولیت خود را در ارتباط با عیسی به انجام رسانده بود، یهودیت یا اسرائیل عیسی را انکار نکرده و او در راه صلیب قرار نمی‌گرفت. عیسی با داشتن یحیی تعمید دهنده در کنارش، مردم اسرائیل را در کسب قدرت و اختیار روم هدایت می‌کرد، چیزی که خدا در طی چند هزار سال مقدماتش را آماده کرده بود. اگر چنین پایه‌ای تضمین شده بود، آنگاه عیسی نمایندگان سلطنتی خود را از تمامی راههای منتهی به روم به تمامی چهارگوشه‌ی جهان فرستاده و آنها با به ارث بردن خواست خدا بعنوان نمایندگان و سفیران ویژه‌ی عیسی پادشاه صلح، ماموریت خود را به انجام می‌رساندند. آنها بدینسان چنان ایل گوگ، پادشاهی بهشتی صلح را می‌آفریدند که کاملاً آزاد و رها از پلیدی بدون هیچ دیوار و مرزی تمامی جهان را تحت پوشش قرار می‌داد.

ولیکن بخوبی می‌دانیم که بشریت نتوانست خود را از شر فریبکاریهای شیطان رها ساخته و برعکس در طی دوهزار سال گذشته در مسیر رستگاری از طریق غرامت گام نهاده است. اشتباه يك انسان، یعنی یحیی تعمید دهنده، کسی که در اتحاد با عیسی شکست خورد و سپس در بدبختی مرد، باعث و بانی این نتیجه‌ی مصیبت بار بود.

با این همه قوانین الهی اجازه نمی‌دهند تا اشتباه انسان باعث توقف همیشگی مشیت الهی شود. امروز قرار است تا سرزمین برگزیده‌ی کره از جانب خدا سرزمینی بشود که در آن مشیت الهی به ثمر برسد. زیرا اینجا موطن والدین راستین، یعنی موطن کسانی است که در بدو تولد، روح این سرزمین در آنها دمیده شده است.

من مشاوران روحی ویژه برای سه کشور کلیدی در مشیت الهی منصوب و اعلام کرده‌ام. دکتر چانگ هوان کواک، رئیس کمیته‌ی فدراسیون صلح جهانی، را به کشور کره فرستادم، که در مشیت الهی در مقام پدر قرار دارد، رورند هیدئو اوپامادا،

رئیس فدراسیون صلح جهانی در ژاپن را به این کشور در مقام مادر در مشیت الهی فرستادم، و آقای دونگمون جو، رئیس روزنامه‌ی واشنگتن تایمز را به آمریکا در مقام فرزند ارشد در مشیت الهی فرستاده‌ام.

من نهضت صلح برای اتحاد آمریکاییان را آغاز کرده‌ام و در این راستا مایل هستم تا جناب آقای جرج بوش رئیس جمهور سابق آمریکا را بعنوان نماینده‌ی ویژه آمریکای شمالی و جناب آقای جولینو ماریا سانگینه تی، رئیس جمهور سابق ارگوئه را بعنوان نماینده‌ی ویژه آمریکای جنوبی پیشنهاد کنم. من همینطور جناب آقای دکتر چال سانگ لی که در کشور کره بعنوان یک دولتمرد بزرگ معروف است را بعنوان نماینده‌ی ویژه برای این کشور پیشنهاد می‌کنم.

خانمها و آقایان، من بسختی در تلاش برای فرستادن نمایندگان ویژه به تمامی کشورها در سراسر دنیا هستم. آنها در عصری زندگی می‌کنند که در آن اشتباهاتی چون اشتباه یحیی تعمید دهنده هرگز تکرار نخواهد شد. برخلاف عیسی که با قرار گرفتن در مسیر صلیب زندگی‌اش بطور ناگهانی به پایان رسید، من با دریافت مهر الهی بعنوان پادشاه صلح، بطور حتم بازسازی موطن خدا بر روی زمین را به انجام خواهم رساند. با خدا و پادشاه صلح بعنوان محور اصلی، من نمایندگان ویژه‌ی فرستاده شده به تمامی نقاط مختلف جهانی را هدایت کرده و بدین ترتیب پادشاهی ایده‌آل اصیل صلح ابدی را بنا خواهم کرد.

خواهشمندم با روح و جسمی متحد نکات محرمانه‌ای را که خدا بر شما آشکار می‌سازد، بطور قلبی دریافت نموده و همینطور به خاطر بسپارید که این پیام بیانگر راه الهی است که از این پس راهنمای شما در تمامی فعالیتها و زندگی‌تان خواهد بود.

جناب آقای "جرج بوش"، آقای "جولینو ماریا سانگینه تی"، رهبران گرامی، خانمها و آقایان، مایل هستم تا به نمایندگی از جانب تمامی خانواده‌ام از حضور شما در این گردهمایی با توجه به مشغلت بسیارتان، قدردانی کنم.

من با شناخت خواست خدا، مایل هستم تا از ایالات متحده‌ی آمریکا و تمامی کشورهای شرکت کننده در جنگ کره، مخصوصاً از فداکاری سربازان کشور هایتان در حفظ ایده‌آل و شعائر سازمان ملل متحد و هدف والای صلح جهانی قدردانی کنم.

خانمها و آقایان، آرزوی خدا نجات بشریت از گناه و پلیدی، و تحقق ایده‌آلی است که برای آن دست به آفرینش زد. از دیدگاه مشیت الهی، جنگ کره فقط یک جنگ داخلی یک کشور خاص نبوده است، بلکه جنگی حق طلب و تاریخی بود که در به ثمر رسیدن مشیت الهی نقش مؤثری داشته است و این نکته اصل و سنتی مهم برای سازمان ملل هابیلی خواهد بود. بواسطه‌ی کمبود وقت، امروز نمی‌توانم نقشه‌ی پرمحتوی مشیت شده‌ی خدا برای شبه جزیره‌ی کره و زندگی خود را برایتان بطور کامل تشریح کنم. در اینجا فقط درباره‌ی جنبه‌هایی از مشیت الهی مربوط به حوزه‌ی اقیانوس آرام برایتان سخن می‌گویم که اخیراً در مورد آن بطور وسیعی اطلاع رسانی داشته‌ام.

میهمانان گرامی، من سالهای دوهزار و هفت و دوهزار هشت (یعنی سالهای هفتم و هشتم چان ایل گوک) را سال یوبیل^۱ مشیت الهی اعلام کرده‌ام و خدا بطور باشکوهی به این سالها برکت بخشیده است. این برآستی سال یوبیلی است که خدا و بشریت تا به حال هرگز تجربه نکرده‌اند.

به خاطر حبس شدن بشریت تحت تسلط شیطان، قلب خدا در تمامی طول تاریخ در درد و رنج بوده است. انسانها ظلم و جور تحت سلطنت پلیدی را در تمامی طول دوره‌ی قبل از ظهور پادشاهی بهشتی تحمل کرده‌اند. آن دوره سرانجام به پایان رسید.

^۱ سالی که در پایان یک دوره‌ی مخصوص فرامی‌رسد و جشن و ضیافت ویژه‌ای را با خود همراه دارد. در تاریخ یهود، جشنی بود که هر پنجاه سال یکبار برگزار می‌شد و در طی آن تمامی بردگان آزاد و زمینهای رهن‌گذاری مسترد و کشتزارها آیش می‌شدند. در تاریخ مسیحیت (کاتولیکها)، سالی برای توبه و بخشایش گناهان است که هر بیست و پنج سال یا هر پنجاه سال یکبار توسط کلیسا اعلام می‌شد. در اینجا پدر مون از یک جشن و ضیافت مخصوصی سخن می‌گوید که در تاریخ همانند نداشته است.

اکنون دروازه‌ها در برابر عصر انقلابی بعد از ظهور پادشاهی بهشتی گشوده شده است، که این آغازگر دوره‌ی زمانی حاکمیت خوبی است که در آن بشریت می‌تواند به خدا بعنوان نقطه‌ی مرکزی ملازمت نماید.

مشیت الهی تا به این زمان بدون آگاهی شما در مسیری شگفت‌انگیز در حال پیشروی بوده است. اکنون میلیون‌ها نفر از سفیران صلح در بیش از صد و هشتاد و پنج کشور دنیا با دریافت تعالیم من، در پاسخ به فرمان مخصوص خدا، بطور شبانه روزی در کار و تلاش هستند. در اینجا مایل هستم تا پیام مخصوص خدا را تحت عنوان "دیدگاه مشیت الهی عهد کرانه‌ی اقیانوس آرام در مسیر انجام خواست خدا: ایالات متحده و خط مشی آینده‌ی سازمان ملل و دنیا" به اطلاع شما برسانم. این پیام، اعلان برنامه‌ی خدا برای مشیت الهی و مسیری است که بشریت باید در آن گام بردارد.

مسیر تحول تاریخ بشری

خانمها و آقایان، اگر با دقت دوره‌های تاریخ بشری را مورد بررسی قرار دهید، بدون هیچ شکی عزم راسخ خدا و حضور محسوس او را همراه با تلاشهای خستگی ناپذیرش در پشت صحنه مشاهده خواهید کرد. ما با تاریخ تمدن بشری آشنا هستیم، که با چهار رودخانه بزرگ دنیا شروع شد. ما می‌دانیم که تمدن مصر در کنار رود نیل، تمدن بین‌النهرین بین دو رود دجله و فرات، تمدن هرآپا در اطراف رودخانه‌ی سند و تمدن چین اولیه در اطراف رودخانه‌ی زرد شکوفا گردیدند. در طول زمان تمدن مرکزی تغییر کرده و به کرانه‌ی دریای مدیترانه کشیده شد که در طی آن دوره، فرهنگ شبه جزیره‌ای در یونان و روم شکوفا گردید. و بمرور در طی پیشرفتهای دوره‌های تاریخ، فرهنگ قاره‌ای اروپا سربرآورد. این فرهنگ قاره‌ای نیز زمینه برای تولد فرهنگ جزیره‌ای بریتانیای کبیر در حوزه‌ی اقیانوس اطلس بود. امپراطوری انگلیس که با تسلط بر چهار دریا، قلمرو حاکمیت خود را چنان گسترش داده بود به حدی که خورشید در حوزه‌ی فرمانروایی‌اش هرگز غروب نمی‌کرد، فرهنگ پر زرق و برق خود را به آمریکای شمالی منتقل کرد. ما با تمامی این واقعیت‌های تاریخی آشنائی داریم.

تمدن بشری با رسیدن به آمریکای شمالی پرچم دموکراسی را برافراشت، که ریشه در مسیحیت داشت. این تمدن در مقابله با کمونیسم و فاشیسم که در تلاش برای برپایی حاکمیت پلیدی و بی‌خدایی بودند، پرچم آزادی مذهب و احترام به برابری حقوق بشر را برافراشت و در جنگ‌های جهانی اول، دوم و سوم، بر آنها پیروز شد. اما این پیروزی نه به معنای انتهای توسعه‌ی تمدن بشری در آنجا و نه به شکلی ساده حاکی از بزرگی و عظمت آمریکا بود. بلکه پیروزی حاصله به واسطه‌ی این پایه بود که خدا براساس برنامه‌ی مشیت الهی، با برگزیدن ایالات متحده‌ی آمریکا، مردم این کشور را از طریق مسیحیت آموزش داده و ترفیع بخشید. او با کار و تلاش از طریق آمریکا مشیت الهی را به سطح کنونی بالا کشانده است.

خانمها و آقایان، عصر حاضر نقطه‌ی عطفی در توسعه‌ی تمدن بشری است. تمدن بشری اکنون با رسیدن به حوزه‌ی کرانه‌ی اقیانوس آرام يك دور کامل در سطح جهانی را طی کرده است. تاریخ بشری به نقطه‌ای در دوره‌ی مشیت الهی رسیده است که در آن باید از طریق حوزه‌ی کرانه‌ی اقیانوس آرام به کمال نائل آمده و به ثمر برسد. اکنون هیچ نیروئی یارای ممانعت از انجام مشیت الهی را ندارد. اگر چه در طی دوره‌های غرامت تحت تسلط عهد قبل از ظهور پادشاهی بهشتی هم پیروزی و هم شکست داشته‌ایم، اما هیچ چیزی مانع شکوفائی حوزه‌ی کرانه‌ی اقیانوس آرام نشد. دلیل مخصوص اعلام سال یوبیل از جانب خدا در همین امر نهفته است.

ماموریت ما در عهد کرانه‌ی اقیانوس آرام

خانمها و آقایان، فرارسیدن عصر کرانه‌ی اقیانوس آرام بر نکات بسیاری دلالت دارد. از دیدگاه تاریخ مذهبی، فکر می‌کنید دنیا چگونه می‌بود، اگر عیسی در زمان حیاتش بر روی زمین ماموریت مسیحایی خود را به انجام رسانده بود؟ او نه فقط برای نجات مردم کشور کوچک اسرائیل در گوشه‌ای از سواحل دریای مدیترانه آمده بود، بلکه بعنوان ناجی و مسیح برای نجات تمامی مردم دنیا ظهور کرد. در آن زمان روم با استقرار در حوزه‌ی دریای مدیترانه بعنوان مرکز ثقل تمدن بشری، آمادگی حکومت بر دریاها را داشت. خواست خدا این بود که عیسی با آموزش و ایجاد تحول در روم، بر آن کشور حکومت رانده تا بتواند از طریق تمدن درخشان آن، رستگاری را برای تمامی انسانها به ارمغان آورد. با این همه همانطور که با توجه به آیات کتاب مقدس همگی اطلاع داریم، او با بدبختی تمام بر روی صلیب جان سپرد.

خدا بدنبال هزاران سال آمادگی سرانجام قادر بود تا عیسی را بعنوان تنها پسر خود بر روی زمین بفرستد. برآستی راهی برای درک و احساس قلب خدا در نگاههای مشتاقانه‌اش به هر عمل و حرکت عیسی وجود ندارد. با توجه به این امر، مرگ عیسی تراژدی بزرگی بود که قلب او را در هم شکست. اندوه حاصل شده از این مسئله برای خدا حتی بیشتر از زمانی بود که آدم و حوا، اولین اجداد بشری، بواسطه‌ی سقوط از باغ عدن رانده شدند.

خدا در طی دوهزار سال از زمان مصلوب شدن عیسی، در پس تاریخ از یک مسیر رنج و عذاب غیرقابل تصور طی طریق کرد و در طی این دوره‌ها ایالات متحده‌ی آمریکا را بعنوان اسرائیل دوم آماده نمود. ماموریت ایالات متحده بعنوان کشوری مسیحی دربرگیرنده‌ی پروتستان، کاتولیک و همینطور ارتدکس، ایجاد هر چه سریعتر اتحاد در جهان مسیحی و انجام مسئولیت امپراطوری روم در قرن بیست و یکم است، یعنی انجام ماموریتی که در زمان عیسی دست نخورده باقی ماند. در حوزه‌ی مشیت الهی، مسئولیت به ارمغان آوردن اتحاد و هماهنگی در میان شش میلیارد و پانصد میلیون نفر انسان روی زمین و تسریع در امر آفرینش یک دنیای صلح‌آمیز ایده‌آل بر عهده‌ی آمریکا است. اینها نه فقط سخنان رورند موند بلکه احکام الهی هستند.

چگونه می‌توان مسیحیت را متحد ساخت؟ خدا راه‌های لازم را از طریق من، رورند موند، والدین راستین بشری آشکار ساخته است. او فرمان داده است تا با پیش گرفتن یک زندگی عشق راستین، واقعیت دنیای روح را بطور کامل درک کرده و یک خانواده‌ی راستین یا یک خانواده‌ی ایده‌آل الگو را برپا کنیم. در این صورت عشق راستین چه نوع عشقی است؟ و خانواده‌ی راستین چگونه خانواده‌ی است؟

عشق راستین و خانواده‌ی راستین

خانمها و آقایان، عشق راستین مطلق خدا القاءکننده‌ی این ایده نیست که زوج من باید برای من زندگی کند. برعکس، اساس عشق راستین دادن و زیستن برای دیگران و برای همگان است. عشق راستین داده و آنچه را که داده فراموش می‌کند و همچنان بدون توقف به دادن همراه با شادی ادامه می‌دهد. ما آن را در قلب مملو از عشق مادری می‌یابیم که از کودک عزیزش در آغوش خود پرستاری کرده و از پستانهایش به او شیر می‌دهد. عشق راستین، عشقی فداکار است، بگونه‌ای که کمال رضایت خاطر یک پسر خلف تنها از طریق کمک و یاری به والدینش حاصل خواهد شد.

وقتیکه در عشق راستین بهم پیوند خورده باشیم، برای همیشه با هم بوده و شادی و مسرت حاصل از همراهی با هم عمیق‌تر و

گسترده‌تر می‌شود. جذابیت عشق راستین تمامی مخلوقات جهان هستی را به زیر پای ما می‌آورد، حتی خدا خواستار بودن با ما خواهد بود. ارزش عشق راستین را نمی‌توان با هیچ چیزی مقایسه کرد. عشق راستین دارای قدرتی برای از بین بردن مرزهایی چون مرزهای ملی، نژادی و حتی مرزهای مذهبی است که توسط انسانهای سقوط کرده بوجود آمده‌اند.

خصوصیت اصلی عشق راستین خدا، مطلق، یگانه و تغییرناپذیر بودن آن است، آنچنانکه اگر کسی عشق راستین پیشه کند با خدا زیسته، در شادی او سهیم شده و از حق شراکت بطور یکسان در کار او بهره‌مند می‌شود. بدین ترتیب شرط لازم و مطلق برای ورود به پادشاهی بهشتی برخوردار از يك "زندگی برای خاطر دیگران" یعنی يك زندگی عشق راستین است.

اکنون راه برای تاسیس خانواده‌های راستین در برابر بشریت گشوده شده است. خانواده برپا کننده‌ی الگوی زیستن در هماهنگی برای دیگران است. محیط گرم یگانگی متمرکز بر عشق و احترام بین والدین و فرزندان، وفاداری متقابل بین شوهر و زن و اعتماد و اتکاء متقابل بین برادران و خواهران تصویری از خانواده‌ی ایده‌آل الگو است. این نکته به این معنا است که لازم است تا شما خانواده‌ای بوجود آورید که در آن ساقه‌ی عشق راستین از ریشه‌ی عشق راستین جوانه زده، سربرآورده و به میوه‌ی عشق راستین بنشیند.

در این وضعیت، سه نسل پدربزرگ و مادربزرگ، والدین و فرزندان باید در قالب يك خانواده با هم زیسته و به خدای ابدی ملازمت کنند. آرزوی خدا مشاهده‌ی چنین خانواده‌هایی است، و این مسئولیت شما است که در مقام ناجیان قبیله‌ای و سفیران صلح، خودتان در پی تاسیس خانواده‌های چنان ایل گوئید، پادشاهی بهشتی باشید.

یعنی اینکه شما باید خانواده‌هایی را برپا کنید که حتی خدا در صورت رفتن به جایی، با دل‌تنگی بسیار دوباره به آن بازگردد. یعنی خانواده‌هایی که در آن، او در مقام والدین بتواند آزادانه و با قلبی مملو از شادی به دیدار فرزندان بشتابد. این به معنای زیستن در ملازمت به خدا است. خدا در چنین خانواده‌ای، فاعل عمودی وجدان شما بوده و در تبعیت از آن فاعل عمودی، روح شما، فاعل عمودی بدن جسمی شما شده و بدین ترتیب اتحاد روح و جسم شکل می‌گیرد. این جایی است که عشق والدینی، عشق زناشویی، عشق فرزندان و عشق برادران و خواهران، بطور خلاصه چهار حوزه‌ی عشق به کمال دست خواهند یافت.

تنها در چنین خانواده‌ای تمامی جهات، بالا و پایین، جلو و عقب، راست و چپ می‌توانند با هم یکی شوند که بدن‌بال آن گردش کروی پایان‌ناپذیری حاصل خواهد شد. این امر باعث شکل‌گیری خانواده‌ها و کشورهای ایده‌آل الگوی خدا و پادشاهی صلح‌آمیز او خواهد بود. اگر تمامی دنیا از چنین خانواده‌هایی پر شود، آنجا دنیای منظمی خواهد بود که در آن مردم تحت کنترل راه و قوانین بهشتی به وکیل، دادستان و حتی به قاضی نیازی نخواهند داشت.

آینده‌ی بشری ریشه در آینده‌ی حوزه‌ی کرانه‌ی اقیانوس آرام دارد

رهبران صلح‌جوی! در میان تمامی شش میلیارد و پانصد میلیون نفر انسان ساکن روی زمین، تقریباً پنج میلیارد نفر از همسایگان شما، بستگان و برادران و خواهران شما به حوزه‌ی کرانه‌ی اقیانوس آرام تعلق دارند. بعبارت دیگر بسیاری از انسانها دارای نژادی مشابه مردم مغول، مردمی با ریشه‌ی مشابه هستند. اگر متمرکز بر ایده‌آل خدا برای صلح، برکت دریافت کرده و با هم باشیم، چیزی وجود ندارد که انجام آن از توان ما خارج باشد. آینده‌ی بشری برآستی در دستان ما است.

مشیت الهی با گسترش از قاره‌ی آمریکای شمالی، بعنوان تمدن جزیره‌ای در مجمع‌الجزایر ژاپن-که در مقام مشابه قبلی

بریتانیای کبیر قرار دارد- به ثمر رسیده و اکنون در حال تکمیل در شبه جزیره ی کره، موطن والدین راستین است که در مقام نجات دهنده ی بشری و ظهور دوم مسیح بر روی زمین آمده اند. از دیدگاه جغرافیای سیاسی، علیرغم تلاشهای مداوم برای تضمین صلح در شبه جزیره ی کره، این منطقه همچنان صحنه ی شدیدترین درگیری های مذهبی و سیاسی است. اما از دیدگاه مشیت الهی، شبه جزیره ی کره بایستی بپا خاسته و با حل و فصل مشکلات جهانی، به مقامی مشابه با کشور روم در زمان عیسی نائل آید.

اصول بازسازی از طریق غرامت حکم می کند که سیر تحول تمدنها باید متمرکز بر شبه جزیره ی کره در حوزه ی کرانه ی اقیانوس آرام به ثمر برسد. خوشبختانه در طی جنگ کره، نیروهای سازمان ملل متمرکز بر ایالات متحده، برای حمایت از این شبه جزیره سازماندهی شدند، با اینحال با عدم انجام مسئولیت خود، نتوانستند با توجه به خواست خدا، سرزمین و موطن موعود او را بازسازی کنند. به همین خاطر در طی جنگ سرد، نزاع و درگیری های جهانی شیوع پیدا کرد، و در طی آن مردم کره محروم از دارایی های خود و در دوری از اعضای محبوب خانواده شان^۲، به جستجوی خدا برآمدند.

من برای ترمیم این امر از طریق پرداخت غرامت، فدراسیون صلح جهانی را برپا داشته، و همچنین دو سازمان سپاه صلح جهانی و نیروهای انتظامی و پلیس صلح پادشاهی بهشتی را متمرکز بر زنان برکت گرفته ی حوزه ی الهی تاسیس کردم، کسانیکه با عشق به این فدراسیون خواستار خدمت و فداکاری برای خاطر صلح تحت لوای آن هستند. من رهبری آموزش افراد مرتبط با این سازمانها را بعهده دارم. با توجه به اینکه این سازمانهای صلح، پیشقراولان تحقق صلح جهانی متمرکز بر خدا هستند، دنیای ایده آل صلح مورد نظر او را برپا خواهند داشت.

ممکن است که از این موضوع آگاهی نداشته باشید، اما من با نشست شش کشور که برای حل و فصل مسائل هسته ای شبه جزیره ی کره و مصالحه بین دو کشور جمهوری کره و کره ی شمالی کمونیست شکل گرفته است، همکاری می کنم. من متمرکز بر اصول صلح و هماهنگی ریشه گرفته در راه پدر بهشتی، راه حل ارائه می دهم.

در چنین دوره ی زمانی حساسی، نقش و وظیفه ی دقیق آمریکا و سازمان ملل چیست؟ جزیره ی هاوایی که در نقطه ی مرکزی اقیانوس آرام قرار گرفته و شهر بندری نورفلوک^۳ بترتیب نماینده ی اقیانوسهای آرام و اقیانوس اطلس و همینطور نماینده ی پنج اقیانوس بزرگ دنیا هستند. جزیره ی هاوایی در اقیانوس آرام و شهر نورفلوک در اقیانوس اطلس پلی بین شرق و غرب بوده و شمال و جنوب را نیز بهم مرتبط می سازند. با حمایت و حفاظت آمریکای شمالی، جزیره ی هاوایی باید کشورهای جزیره ای اقیانوس آرام را بسوی هم آورده و از حوزه ی کرانه ی اقیانوس آرام حفاظت و دفاع نماید. دلیل سخن گفتن من از چنین چیزهایی این است که آینده ی بشری در حراست از منطقه ی کرانه ی اقیانوس آرام متمرکز بر آمریکا نهفته است.

من با آگاهی از برنامه های مشیت الهی در این عهد، سی و سه سال از دوران طلایی زندگی خودم را از اوایل دهه هفتاد به بعد برای خاطر صلح جهانی متمرکز بر آمریکا وقف کردم. در طی این دوره ی حساس، در سال نود و یک، زمانی که با هدف پایان دادن به دوره ی جنگ سرد برای ملاقات کیم ایل سانگ^۴ عازم کره ی شمالی بودم، نخست به هاوایی آمده و در آنجا به دعا نشستم. بدنبال کسب پایه های پیروزمندانه، ما دوباره به کشور کره بازگشته و اکنون در تلاش برای تکمیل مشیت الهی در تاسیس موطن و زادگاه خدا هستیم. مخصوصاً امسال، بعنوان سال یوبیل در مشیت الهی، در مسیر سفر خود به آمریکا نخست به هاوایی رفته و در آنجا دعا کردم.

^۲ بعد از جنگ کره، وقتیکه شبه جزیره ی کره به دو بخش شمالی و جنوبی تقسیم شد، بسیاری از شهروندان این کشور دارایی های خود را از دست داده و همچنین مجبور شدند تا حتی والدین و برادران و خواهران خود را ترک کنند که حتی اکنون بعد از پنجاه سال تعداد بسیاری همچنان در جدایی بسر می برند.

^۳ شهر بندری نورفلوک در کناره ی شرقی آمریکا در سواحل اقیانوس اطلس در ایالت ویرجینا

^۴ کسی که با دیدگاه استالینی رهبری گروه های کمونیستی در جنگ کره را بعهده داشت و بعد از آن بر قسمت شمالی کشور (کره شمالی) حاکم شد.

خانمها و آقایان، از شما می‌خواهم تا امور کنونی کرانه‌ی اقیانوس آرام و جهان را از نزدیک مورد بررسی قرار دهید. اگر چه دوران کمونیسم سپری شده است، اما حتی در این زمان کشورهای قدرتمندی چون چین و شوروی بطور مداوم در پی فرصتهایی هستند که با استفاده از زور منافع خود را بر کشورهای ضعیف جزیره‌ای اعمال کنند. هیچیک از کشورهای کوچک جزیره‌ای قادر نیستند به تنهایی از پس کشورهای قدرتمند در اطرافشان و جاه‌طلبی‌های اقتصادی، سیاسی و حتی نظامی آنها برآیند. آن کشورها چنان قوی هستند که در صورت لزوم می‌توانند حتی در طی یک روز بدون ریختن قطره خونی کشورهای کوچک را اشغال کرده و تحت تسلط خود درآورند.

تنها با برقراری امنیت و صلح در کرانه‌ی اقیانوس آرام، صلح برای تمامی انسانها تضمین خواهد شد. همانطور که گفتم، کشورهای کوچک جزیره‌ای بتهایی نمی‌توانند جلودار سونامی باورنکردنی کشورهای قدرتمندی شوند که بسوی این منطقه هجوم آورده‌اند. بنابراین زمان آن فرارسیده است تا تمامی کشورهای کوچک جزیره‌ای در حوزه‌ی اقیانوس آرام متحد و یگانه شده و برپا کنندگی زادگاه تمدن جدید باشند. کشورهای کوچک جزیره‌ای که در دو حوزه‌ی شمالی و جنوبی اقیانوس آرام و در اطراف خط استوا پراکنده هستند، و کشورهای چون ژاپن، تایوان، فیلیپین، اندونزی، جزایر سلیمان، استرالیا، نیوزیلند و غیره باید با هم یگانه شده و یک جبهه‌ی مشترک برای حفاظت از صلح در تمدن کرانه‌ی اقیانوس آرام بوجود آورند. این امر بطور حتم تضمینی برای صلح و بقاء بشریت خواهد بود.

چیزی که می‌خواهم بگویم این است که شما مسئولیت حفاظت و حمایت از آن حوزه‌ی اقیانوسی را بعهده دارید که تامین کننده‌ی نیازهای اولیه‌ی طبیعی برای صلح جهانی در آینده بوده و در اجتناب از جنگها و ویرانی‌های محیطی در حال گسترش امروز، بقای آینده‌ی بشری به آن وابسته است.

کار و تلاش والدین راستین برای صلح

میهمانان گرامی، من با کسب پیروزی بر یک دوره‌ی رنج و عذاب غیرقابل توصیف، امروز در برابر شما ایستاده‌ام. من برای آرامش و افتخار شخصی زندگی نکرده‌ام، حتی در زمانیکه در مسیر مرگ و زندگی قرار گرفتم، با دریافت مهر الهی بطور کامل از مقصود خواست خدا آگاه شدم. بدینسان، من با والا شمردن فرمان خدا در جهت به ارمغان آوردن رستگاری برای بشریت، اگر چه بارها با ضربات بسیار به پایین افتادم، اما بسان قفتوس^۵ بپاخاسته و به کار پرمسئولیت خود ادامه دادم. به همین خاطر رهبران بسیاری از دنیای مذهب، سیاست و دانش‌پژوهان از سراسر دنیا مرا بعنوان یک قهرمان در هشت حوزه‌ی نظم و معرفت روحی برسمیت شناخته‌اند.

نخستین حوزه مربوط به شناخت خدا است. مردم تا به این زمان، خدا را تنها ماهیتی بعنوان عالم مطلق و قادر متعال می‌شناختند. آنها فکر می‌کنند که خدا رهبری مطلق است که بر تخت شکوه و عظمت تکیه زده و هیچ کاری با مخلوقات و جهان آفرینش ندارد. اما حقیقت چیز دیگری است. از آغاز سفر برای انجام مشیت الهی که برای آن فراخوانده شدم، به این شناخت رسیدم که رابطه‌ی خدا و انسان، رابطه‌ی والدین فرزندی است و همینطور متوجه شدم که او از زمان از دست دادن نخستین فرزندانش، یعنی آدم و حوا، به والدین درد، اندوه و سوگواری مبدل شد.

من در تمامی طول زندگی‌ام در تلاش بودم تا درد و اندوه خدا را از بین برده و آزادی و رهایی کامل را برای قلب او به

^۵ پرنده‌ی افسانه‌ای مصری که بعد از زیستن به مدت پانصد سال خود را در آتش سوزانده و از خاکستر او پرنده‌ی دیگری برمی‌خیزد.

ارمغان آورم. در این راستا، سرانجام توانستم تا در روز سیزدهم ژانویه سال دوهزار و يك، با برگزاری مراسم تاجگذاری پادشاهی خدا، تخت شکوه و جلال او را بازسازی کرده و به او تقدیم کنم.

دومین حوزه مربوط به شناخت ماهیت واقعی شیطان است. در تمامی طول تاریخ، بشریت از ماهیت شیطان، یعنی کسی که مسبب سقوط بشر و علت سوق یافتن آنها به تمامی انواع پلیدی شد، هیچگونه اطلاع و آگاهی نداشته است.

من برای کشف تمامی معماهای دنیای روح با کوشش و تلاش بسیار در نبردهای روحی طاقت‌فرسا به مدت چهارده سال، سرانجام ماهیت واقعی شیطان، سرچشمه‌ی پلیدی را کشف کردم. من حتی در گامی فراتر، از تاکتیک‌ها و استراتژی او برای تقویت قوایش پرده برداشتم.

من بدنبال کشف استراتژی شیطان در آلوده کردن نسب خونی انسان از طریق جریان عمل سقوط، برای بازسازی نسب خونی اصیل خدا بطور کامل متعهد شدم. استراتژی بهشتی توسعه یافته در جهت نیل به این هدف، که اکنون در سراسر دنیا شناخته شده است، مراسم برکت ازدواج در ورای مرزهای ملی و فرهنگی است.

سومین حوزه شناخت موقعیت بشری است. انسانها از کجا آمده، چگونه زیسته و به کجا خواهند رفت؟ چرا روح و جسم ما همواره در ناسازگاری بوده و چرا ما در جنگ و درگیری هستیم؟ معنای مرگ و زندگی چیست؟ آیا دنیای بعد از مرگ واقعاً وجود دارد؟ اگر اینطور است، بر روی زمین چگونه باید زیست؟

پاسخ به این سؤالاها و دیگر مسائل همه در اصل آفرینش آشکار شده از جانب خدا برای من آمده است. من دارای این توانایی ذاتی هستم که با نگاه کردن به قلبهای مردان و زنان، سرنوشت آنها را پیش‌بینی کنم. به همین خاطر جوانان بسیاری از گوشه و کنار دنیا برای نامزد شدن با همسری ایده‌آل به من مراجعه می‌کنند.

چهارمین حوزه شناخت و درک دنیای روح است. دنیای روح یا دنیای بعد از مرگ جسمی، دنیایی است که بطور واقعی وجود دارد، دنیایی است که تمامی انسانها بطور طبیعی و بعنوان تمدید زندگی روی زمین خود به آنجا می‌روند. زندگی بشر يك جریان مداوم از زمان شکل‌گیری نطفه در درون رحم تا زندگی ابدی بعد از مرگ جسمی و پایان زندگی زمینی است. کسانی که با دریافت برکت ازدواج، گناهان خود را پاک کرده و وجود روحی‌شان را به کمال رسانده‌اند، در پایان زندگی جسمی از يك مراسم روحانی به نام "سانگ‌هوا" طی طریق می‌کنند که به آنها رخصت می‌دهد تا در ورود به حوزه‌ی بهشتی مورد استقبال قرار گرفته و برایشان جشن برپا شود، جایکه از يك زندگی ابدی لذت خواهند برد.

باید بدرستی بدانیم که روحانیون و مقدسین بسیاری که در طول تاریخ بر روی زمین زیسته‌اند اکنون در دنیای روح زندگی می‌کنند. آنها با مشیت الهی بر روی زمین همکاری نموده و بدنبال دریافت برکت ازدواج از جانب والدین راستین، بعنوان ارواح مطلقاً خوب متولد می‌شوند. هر لحظه‌ی زندگی ما به همان صورت واقعی‌اش بطور دقیق در دنیای روح ثبت می‌شود، و روزی که به دنیای روح می‌رویم، آن نکات ثبت شده‌ی زندگی ما اساس و پایه‌ی برای قضاوت خود ما خواهند شد. به همین خاطر تمامی انسانها باید يك زندگی عشق راستین پیشه کرده و خود را برای هدفی بالاتر فدا کنند.

پنجمین حوزه مربوط به شناخت عیسی است. عیسی بعنوان پسر خدا، نجات دهنده و مسیح آمد، اما حتی مردمی که توسط خدا آماده شده بودند، با او مخالفت کرده، او را نپذیرفته و در اندوه‌بارترین ترازوی تاریخ او را به صلیب کشیدند. این خواست خدا بود تا عیسی بعنوان آدم دوم الگوی خانواده‌ی ایده‌آل متمرکز بر خدا را بواقعیت درآورده و تمامی انسانها را به خود پیوند زند.

مسیحیت از طریق روم، پایه برای تمدن غرب شد و سپس بعنوان هسته مرکزی برای تمدنهای کرانه‌ی اقیانوس اطلس و اقیانوس آرام همواره در مقام عروس برای دریافت سرور در ظهور دوباره‌اش ایستاده بود. بنابراین مسیحیت مخصوصاً باید قلب اندهار عیسی را که بواسطه‌ی مصلوب شدن نتوانست خواست خدا را در مورد خود بطور کامل به انجام برساند، درک کند. تعالیم من بطور آشکار درباره‌ی ماموریت عیسی، محدودیت رستگاری از طریق صلیب و علت و هدف بازگشت او توضیح می‌دهد.

هشتمین حوزه درباره‌ی شناخت محتویات کتاب مقدس و دیگر کتب مذهبی است. این کتابها الهامات محرمانه‌ای هستند که به بشریت گرفتار آمده در تله‌های جهالت بعد از سقوط اولین اجداد بشری، توان بازگشت به سوی خدا را می‌دهد. بسیاری از موضوعات مهم موجود در کتب آسمانی بصورت استعاره و سمبل بیان شده‌اند، ولی معانی تمامی آنها تنها از طریق ناجی فرستاده شده از جانب خدا آشکار خواهند شد. به همین دلیل عیسی قادر بود تا مفاد اصلی و معانی عمیق عهد قدیم را آشکار سازد.

به همین شکل، اسرار پنهان مانده‌ی خدا در کتاب مقدس در ارتباط با مشیت رستگاری، اکنون از طریق من آشکار می‌شوند. کتاب مقدس، مجموعه الهاماتی است که همچنین دارای اسرارهای پنهان ایده‌آل آفرینش خدا، سقوط بشر، و راه بازسازی است. اصل الهی که از جانب خدا بر من آشکار شده است، بطور شفاف به تمامی پرسشهای مطرح شده در تمامی کتابهای آسمانی پاسخ می‌دهد.

هفتمین حوزه، در مورد شناخت اهداف تاریخ بشری است. تاریخ فقط ثبت يك مشت رویدادهای تصادفی نیست، بلکه در يك مسیر آشکار و با يك هدف واضح جریان دارد. و آن دوره‌ای برای مشیت بازآفرینی وضعیت اصیل بشر از طریق غرامت، یا تاریخ بازسازی برای رستگاری آنها است.

من با این بینش درباره‌ی سرچشمه و جهت تاریخ، در زمانیکه اتحاد جماهیر شوروی هنوز در اوج قدرت خود بود، در طی يك سخنرانی در کنفرانس آکادمی پروفیسوران برای صلح جهانی در سال هزار و نهصد و هشتاد و پنج در شهر ژنو پایان سریع‌السير کمونیسم و ماتریالیسم دیالکتیک را پیشگویی کردم.

امروز اعلام می‌کنم که اکنون زمان آن فرارسیده است تا تمامی ملتها و مذاهب به ورای مرزهای خود بروند. از این طریق عصر "يك خانواده‌ی تحت تسلط خدا" فرارسیده و تا به ابد تداوم خواهد داشت.

خدا تاریخ را هدایت می‌کند. با یاری اقبال بهشتی متمرکز بر سازمان ملل هابیلی، در جهت نیل به دنیای ورای ملتها و مذاهب یعنی پادشاهی بهشتی بر روی زمین که به زبان کره‌ای چان ایل گوک خوانده می‌شود، به پیشرفتهای سریعی دست خواهیم یافت.

هشتمین حوزه مربوط به ارزشهای خانواده‌ی راستین است. ایده‌آل آفرینش خدا تاسیس خانواده‌های راستین متمرکز بر او است. این هدف مشیت رستگاری برای بازسازی ایده‌آل خانواده‌ی راستین است که آدم نتوانست آن را در خانواده‌ی خود بواقعیت درآورد. و آن پایه‌ای برای تاسیس پادشاهی بهشتی بر روی زمین و در بهشت است.

برکت ازدواج که جزئی از نهضتی است که من آن را رهبری می‌کرده‌ام، فقط يك مراسم معمولی ازدواج نیست. بلکه تشریفات مقدسی است که از طریق آن گناه اصیل از بین رفته و بشریت به نسب خونی راستین خدا پیوند می‌خورد.

خانواده‌های راستین سرچشمه و پایه‌ی عشق راستین، زندگی راستین و نسب خونی راستین هستند و از طریق آنها، کشور راستین، دنیای راستین و پادشاهی راستین بنا نهاده می‌شوند. خانواده‌های متمرکز بر والدین راستین می‌توانند اساس روابط کامل بین چهار حوزه‌ی باشکوه قلب و سه قلمرو بزرگ پادشاهی شده و همینطور پایه‌ای برای پادشاهی بهشتی بشوند.

من روز دوازدهم سپتامبر سال دوهزار و پنج، فدراسیون صلح جهانی را تاسیس کردم. سپس برای تاسیس يك خانواده‌ی تحت تسلط خدا با استراتژی دوگانه‌ی ابلاغ کلام خدا و برگزاری مراسم برکت ازدواج، به اتفاق همسر، دکتر هاگ جا هان مون و فرزندان و نوه‌هایم، سه تور بزرگ سخنرانی را به انجام رساندیم، و در این راه توانستیم در قالب سه نسل، ایده‌آل برکت ازدواج را در درون يك خانواده با موفقیت به انجام برسانیم.

بعد از آن، صد و بیست نماینده‌ی مسیحی در آمریکا، همچنین هزار و دویست رهبر مذهبی و دوازده هزار سفیر صلح از سراسر دنیا بعنوان نماینده‌ی کشور خود با سفرهای متوالی در صد و نود کشور پیامهای صلح والدین راستین را پخش نموده و برکت ازدواج را با دیگران سهیم شدند. این تورهای سخنرانی وسیله‌ای برای گسترش ارزشهای خانواده‌ی راستین بعنوان ارزشهای جهان‌شمول بشری بوده است، که يك تمدن متمرکز بر خدا را تاسیس خواهد کرد.

من بعنوان قهرمان این هشت حوزه شناخته شده‌ام. اما پیشبرد این امر به تنهایی انجام‌پذیر نیست، حمایت تمامی بشریت برای تکمیل تمامی امور ضرورتی مبرم است. با شکوه و الطاف الهی، ما بزودی به پیروزی نائل خواهیم آمد.

در سال دوهزار و سه در شهر اورشلیم، براساس پایه‌ی پیروزی حاصل از چنین اشک و عرق و خونی، همراه با تائیدی‌ی دنیای مسیحیت، یهودیت و اسلام، من عیسی را در مقام شاه شاهان در برابر بهشت و زمین معرفی کردم. بدنبال آن، در سال دوهزار و چهار در ساختمان مجلس سنای آمریکا، و بعد از آن در ساختمان مجلس نمایندگان کره‌ی جنوبی، بعنوان پادشاه صلح تعیین و مورد تصدیق قرار گرفتم. متعاقباً در ماه ژوئن دوهزار و شش مراسم تاجگذاری والدین راستین در مقام پادشاه و ملکه‌ی صلح در بهشت و زمین را برگزار کردیم.

خانمها و آقایان، ما با شروع قرن بیست و یکم خود را در يك نقطه‌ی عطف برآستی تاریخی درمی‌یابیم و درواقع در نقطه‌ای برای اتخاذ تصمیم قرار گرفته‌ایم. آیا صلح جهانی ابدی خواهد گرفت یا اینکه ما محکوم به تکرار قرن سیاه بیستم و تاریخ ستم پیشه جنگ و درگیری هستیم؟

قرن بیستم يك دوره‌ی دائمی انواع ناسازگاریها بود، که در آن ما شاهد استقلال کشورهای مستعمره، جنگهای اول و دوم جهانی، و جنگ کره با شرکت شانزده کشور دنیا، تحت نیروهای سازمان ملل بودیم. نیروهای سازمان ملل متحد براساس مشیت الهی و برای بازیابی موطن صلح به شبه جزیره‌ی کره بسیج شدند. اما حتی پس از آن نیز بشریت هنوز می‌بایست يك دوره‌ی دیگر از درگیری و خصومت یعنی دوره‌ی جنگ سرد بین بلوک شرق و غرب را تحمل می‌کرد.

من با زندگی در طی این دوره، همه چیز را برای به ارمغان آوردن پادشاهی بهشتی خدا، پادشاهی صلح و دنیای ایده‌آل وقف کردم. من همواره خالصانه دعا می‌کردم که سازمان ملل متحد که بدنبال جنگ دوم جهانی تاسیس شد، بتواند يك نهاد صلح شده و از خواست خدا در تحقق دنیای ابدی صلح پاسداری نماید.

سازمان ملل متحد برآستی سهم بسزائی در نیل به صلح داشته است. با اینحال در شصتین سالگرد آن در سال دوهزار و پنج براساس يك توافق گسترده چه در درون و چه در بیرون از این سازمان، هنوز راه بسیاری برای دستیابی به هدف اولیه از تولد این سازمان در پیش رو است. تعداد اعضای سازمان ملل متحد چیزی بیش از دویست نماینده هستند اما دفاتر این دولتها

جز اینکه نام نماینده را بر خود داشته باشند کار دیگری انجام نداده و تنها بر منافع خود اصرار می‌ورزند. بنظر می‌رسد که آنها بطور ذاتی قادر نیستند که کاری برای حل و فصل درگیریها و نیل به صلح انجام بدهند.

خانمها و آقایان تاسیس فدراسیون صلح جهانی در روز دوازدهم سپتامبر سال دوهزار و پنج، که در سراسر بهشت و زمین اعلام شد، وسیله‌ای برای شکوفائی مثبت الهی خواهد بود. اکنون بطور کامل این امکان وجود دارد که در عصر بعد از ظهور پادشاهی بهشتی، این فدراسیون بعنوان يك هم‌تا از نوع هابیلی در کنار سازمان ملل متحد عمل نماید. این فدراسیون، همراه با تجدید حیات بخشیدن به سازمان ملل (نوع قابیلی)، گشایشگر راه برای میلیونها سفیر صلح در سطح جهانی خواهد بود، کسانی‌که با پذیرش تعالیم من، یعنی راه پدر بهشتی، که دربرگیرنده اصول عشق راستین و ایده‌آل خانوادگی راستین است، بدون هیچ توقفی خواست خدا در آفرینش يك خانواده‌ی تحت تسلط او را بواقعیت درخواهند آورد.

برکت ازدواج ورای مرزهای فرهنگی و ملی

خانمها و آقایان، فدراسیون صلح جهانی پیشقراولی برای پیشبرد ماموریت انقلابی بزرگ در مسیر بازسازی نسب خونی اصیل بشری به جایگاه آدم قبل از سقوط، از طریق برکت ازدواج ورای مرزهای فرهنگی و ملی برگزار شده در سطح جهانی و بین تمامی ادیان خواهد بود. ممکن است که بعضی‌ها با تمسخر بگویند که چنین چیزی امکان‌پذیر نیست. با اینحال در این مورد بیاندیشید که چه روی خواهد داد اگر مردم ایالات متحده و روسیه براساس تعالیم رورند مون که بعنوان نماینده‌ی خدا، مجری خواست او است، در ورای مرزهای ملی خود، از طریق مراسم برکت ازدواج بین‌المللی ورای مرزهای فرهنگی، با هم وصلت کنند؟ در این صورت آن دو کشور تحت تسلط خدا، سرور مطلق و ابدی ما، با هم یکی خواهند شد. چطور کسی می‌تواند با کشوری که در آن میلیونها نفر از نوه‌هایش از نسب خونی خود او، خانه و کاشانه‌ی خود را برپا داشته‌اند، رفتاری مخالف در سر پرورانده، یا بدتر از آن در برابر آنها اسلحه بکشد؟

میهمانان گرامی، خدا شما را صدا زده است! ماموریت مقدس تاسیس پادشاهی ایده‌آل بهشتی که همان حاکمیت مقدس صلح بر روی زمین است، با بازسازی موطن و زادگاه ایده‌آل ما در تمامی چهار گوشه‌ی کره‌ی زمین در حال انجام است. امید خدا این است که شش میلیارد و پانصد میلیون نفر انسان روی زمین را به نسب خونی قبیله‌ی راستین پیوند زند. در این زمان مردم در رقابتی سخت برای انجام مسئولیت‌هایشان برگزار می‌گردند. کلام در دوازده هزار نقطه در هر يك از صد و هشتاد و پنج کشور دنیا را به انجام رسانده‌اند.

ظهور فرهنگ صلح

خانمها و آقایان، شما امروز برآستی به رویدادی پرمعنا گام نهاده‌اید. لطفاً فرصت قرار گرفتن در مسیر بخت و اقبال بهشتی جاری شده در این سال مهم و مقدس یوبیل را از دست ندهید. رهبری توسعه و حفاظت از حوزه‌ی اقیانوسها را بعهده بگیرید که هفتاد و پنج درصد از کره‌ی زمین را تحت پوشش قرار داده‌است. کجا می‌توانید گنجینه‌ی نوین منابع اولیه و اصیلی را بیابید که تضمینی برای احیای کره‌ی زمین در مواجهه با فرسایش و آلودگی‌ها است؟

اکنون عصر اقیانوس، بعنوان نماینده‌ی عصر جهانی زن آغاز گردیده است. حوزه‌ی کرانه‌ی اقیانوس آرام باید مسئولیت خود

را بعنوان مهره‌ی اصلی در جهت آفرینش فرهنگ حوزه‌ی اقیانوسی در جایگاه حوزه‌ی فرهنگ زن و رای مرزهای ملی و حتی و رای اقیانوسها به انجام برساند. لطفاً این موضوع را بطور عمیق بخاطر بسپارید. در این گردهمایی پرمعنا، لطفاً این پیام را بطور قلبی دریافت نمایید. امروز جمع کثیری از خانواده‌های اجداد شما که در دنیای روح برکت گرفته‌اند، بر روی زمین آمده و همراه با شما در حال شنیدن این پیام هستند. آنها نیز باید خود را کامل کنند که این امر را از طریق شما انجام خواهند داد و بدین‌ترتیب به مقامهای والدین راستین، آموزگاران راستین، و مالکان راستین ترفیع خواهند یافت.

بعلاوه آنها باید بطور قلبی و جسمی با والدین راستین، شاه شاهان، یکی شده، از استاندارد آنها بطور مطلق حفاظت نموده، نقشی فعال در انجام امور بعهده گرفته و با پیش گرفتن يك زندگی خدمت و ملازمت، برای آفرینش پادشاهی بهشتی بر روی زمین و در دنیای روح بسیج شوند. لطفاً فراموش نکنید که قرار است تا در این راه، دنیای روح و دنیای جسم با هم بعنوان يك نهاد واحد متحد شده، نفس کشیده، حرکت و فعالیت داشته باشند.

می‌خواهم تا از شما يك خواهش مخصوص داشته باشم. لطفاً خودتان را در مطالب پیامهای صلح^۱، غسل تعمید بدهید بحدی که آنها را بطور قلبی درك کرده و راهنمای زندگی خودتان بسازید. پیامهای صلح مجموعه‌ی خلاصه شده‌ای از تعالیم من هستند که بطور مفصل در بیش از صدها جلد کتاب از سخنان من چاپ شده‌اند. خدا در خط اول جبهه قرار گرفته است. دنیای روح و دنیای جسم برای یاری‌رسانی به شما در مسیر آفرینش دنیای ایده‌آل صلح مورد نظر خدا، که در آن شما از آزادی و رهایی کامل بهره‌مند خواهید شد، با یکدیگر متحد می‌شوند.

خانواده‌های شما اکنون باید با انجام مسئولیت خود بعنوان عضوی از پاسداران پادشاهی صلح و نیروی انتظامی پادشاهی صلح سازمان ملل هابیلی در جهت پیشبرد مشیت الهی در این عصر انقلابی بعد از ظهور پادشاهی بهشتی، به جایگاه خود در تاریخ نائل آید. تاریخ بواسطه‌ی زندگی شرافتمندانه‌ی شما در مسیر کامیابی بشر و صلح جهانی، برای همیشه شما را به خاطر خواهد سپرد. من اکنون در حال توسعه‌ی نیروی انتظامی پادشاهی صلح و پاسداران پادشاهی صلح هستم که چندی قبل آنها را تاسیس کرده‌ام. اگر رهبرانی چون شما و خانواده‌های شما نباشند، دیگر چه کسی پیشقراول این دو سازمان تحت فدراسیون صلح جهانی یا سازمان ملل هابیلی خواهد بود؟

خانمها و آقایان، عزیزانی که از کشورهای مختلف به اینجا تشریف آورده‌اید، در این دوره‌ی بحرانی تاریخ بشری که در آن برای تکمیل مشیت الهی در تاسیس موطن خدا بعنوان قله و اوج تاریخ بشری بپاخواسته‌ایم، چه خواهید کرد؟ آیا با بیخردی در دنباله‌روی باطل از خودمهوری و فردگرایی مفرط، برای تمامی عمر خود پس از این، فقط به منافع شخصی اندیشیده و در پی راحتی و آرامش فردی خواهید زیست؟

چه خواهید و چه نخواهید، اکنون خدا شما را صدا زده است. شما تحت پرچم درخشان سازمان ملل هابیلی هدایت خواهید شد که در روز بیست و سوم ماه سپتامبر سال دوهزار و هفت در برابر بهشت و زمین اعلان و آغاز به کار کرده است. بنابراین شما باید هر چه سریعتر برای تکمیل بازسازی سازمان ملل متحد تلاش داشته و همچنین ماموریت خود را در سازمان ملل هابیلی به انجام برسانید. ما در این راستا قادر خواهیم بود تا توسعه بخش ایده‌آل آفرینش خدا در سیاست، اقتصاد، فرهنگ و هنر و آموزش متمرکز بر حوزه‌ی قلبی خدا باشیم.

در این راستا هیچ کشوری مورد استثناء قرار نخواهد گرفت. در برابر اقبال بهشتی سالهای اقدام شده‌ی دوهزار و هفت و دوهزار و هشت یا سالهای هفتم و هشتم چنان ایل گوک فدراسیون صلح جهانی، تمامی دیوارها و مرزها فرو می‌ریزند.

^۶ مجموعه‌ای شامل شانزده سخنرانی والدین راستین، که در طول سال دوهزار و شش تا دوهزار و هشت در گوشه و کنار دنیا اعلام شده‌اند.

خواهشمندم تا با به ارث بردن پایه‌ی پیروزی بدست آمده توسط والدین راستین بهشت و زمین مالکان عصر قلب خدا بشوید. موطن خدا بطور حتم با دستهای خود ما بنا می‌شود.

لطفاً از یاد نبرید که دموکراسی يك ایدئولوژی برادری است، که نقشی انتقالی در نیل به عهد والدین راستین و خانواده‌ی راستین یا عهد تمدن قلب خدا بعهده دارد. بنابراین بیاید تا با جهشی انقلابی به ورای تپه‌ی دموکراسی برویم.

رهبران گرامی، يك نکته دیگر که لازم است بر آن واقف باشید این است که از دیدگاه مشیت الهی فدراسیون صلح جهانی در مقام هابیل و حزب خانواده در مقام قابیل، نماینده‌ی دنیای مادی هستند. شرکت کنندگان در انتخابات سراسری در کشور کره باید سنت والدین راستین نائل آمده به پیروزی در سطح جهان هستی را به ارث ببرند.

برای اینکه کشور کره بتواند وظیفه‌ی خود را بعنوان موطن اصیل به انجام برساند یعنی چیزی که زمینه‌ی آن توسط سازمان ملل هابیلی در گردهمایی صد و نود و چهار کشور دنیا مهیا گردید، همگی شما باید در انتخابات ریاست جمهوری، انتخابات مجلس و شوراها‌ی شهری که در تعیین مسئولین بخشداری‌ها، شهرداری‌ها، نمایندگان مجلس، و همینطور در انتصاب وزیران دولت نقشی تعیین کننده دارند، شرکت فعال داشته و بدون هیچگونه قصوری به موفقیت نائل آید. ماموریت شما این است که تمامی احزاب سیاسی موجود در درون هر کشوری را یگانه ساخته و متمرکز بر فرمانداران نمونه‌ی الهی، موطن اصیل خود را بر روی زمین بازسازی نمایید.

تونل زیر دریایی بین کشورهای کره و ژاپن و همینطور پروژه‌ی تونل بر روی تنگه‌ی برینگ در پیشگاه الهی اعلان شده و بناسازی آنها آغاز گردیده است. اینها پروژه‌هایی هستند که شما در مقام مالکانی که خواست والدین راستین را به انجام رسانیده و از هدف بازیابی موطن اصیل حمایت نموده‌اند، باید بطور حتم با موفقیت به انجام برسانید.

چان ایل گوک و سازمان ملل هابیلی در جایگاه هابیل، ایالات متحده و سازمان ملل متحد در جایگاه قابیلی قرار دارند. این دو حوزه باید به هم پیوند خورده و بوجود آورنده‌ی يك تعادل جهانی باشند. تمامی شما باید بطور قلبی و جسمی با خدا در مقام پادشاه پادشاهان و بعنوان محور اصلی، و با والدین راستین، در مقام پادشاه و ملکه‌ی صلح و با نمایندگانشان یکی شوید. شما باید آفرینش باغ عدن اصیل فاقد هرگونه ارتباط با سقوط بشر را به انجام برسانید، یعنی اینکه شما باید تاسیس موطن اصیل‌مان را تکمیل نمایید.

خانمها و آقایان، تمامی موجودات جهان هستی چه بزرگ و چه کوچک همه از يك ریشه‌ی واحد سرچشمه گرفته‌اند. البته بخاطر قطع تمامی روابط بواسطه‌ی سقوط بشریت در جهالت، فهم این موضوع ساده نیست. ولیکن تمامی مخلوقات از جمله خورشید، در آرزوی زیستن در حوزه‌ی عشق راستین در درون حوزه‌ی نسب خونی راستین هستند. آنجا دنیایی است که در آن همه چیز گستره‌ی طنین‌بخشی را بوجود می‌آورند که در آن هر چیزی در حین ملازمت به والدین راستین و خانواده‌ی راستین، با توجه به فرم و استاندارد خود برای دیگران می‌زید.

خانمها و آقایان، آدم و حوا در جریان عمل سقوط بدن روحی و جسمی خود را به شیطان واگذار کردند. اگر چه عیسی بدن جسمی‌اش را در رنج و عذاب صلیب از دست داد، ولی با دستیابی به رستخیز روحی بدنال تکمیل موفقیت‌آمیز دوره‌ی چهل روز، روشنی بخش راه رستگاری روحی برای تمامی بشریت شد. از این دیدگاه، سانحه‌ی هلیکوپتر از اهمیت مشیتی فوق‌العاده‌ای برخوردار است. در عمق ضربات وارده از جانب شیطان، والدین راستین هم بشکل روحی و هم بشکل جسمی به پیروزی واقعی و کامل دست یافته و بدون ریختن حتی يك قطره خون پایه برای بازسازی و برپایی سه نسل خانواده‌ی راستین—که در تاریخ بازسازی از دست رفته بود—را بوجود آوردند.

در آن روز فراموش نشدنی، یعنی نوزدهم ژولای دوهزار و هشت، روز سانحه‌ی هلیکوپتر تولد دوباره تکمیل گردید. در بیستمین روز بعد از سانحه یعنی هفتم اوت (برابر با روز مقدس چیل پل جال) رستاخیز به کمال رسید. و امروز چهلمین روز بعد از آن سانحه است، همانطور که همه چیز به پیروزی ختم شده است، من روز کمال زندگی ابدی را اعلام می‌کنم. من روز نوینی را اعلام می‌کنم، که در آن می‌توانیم با گشایش بهشت و زمین تازه، یعنی حوزه‌ی ایده‌آل نهایی مشیت الهی متمرکز بر خدا، برای آزادی ابدی و رهایی کامل سرود شادی و سپاس سردهیم.

سیزدهم ژانویه‌ی سال دوهزار و سیزده نویدبخش یک دوره‌ی زمانی تازه و یک کشور تازه است. بیایید تا بسوی روز کشور چان ایل گوک یعنی پادشاهی بهشتی صلح واقعی به پیش برویم، جایکه در آن می‌توانیم با حفظ نسب خونی خدا و تکمیل برکت ازدواج و ملازمت به خدای اصیل در مقام پدر تمامی بشریت، از یوبیل ابدی لذت ببریم.

برکات و شکوه خداوند همواره شامل حال خانواده‌ها و تمامی تلاش‌هایتان در انجام ماموریت الهی بازگشت به موطن اصیل‌مان باد. اجوا!

سپاسگزارم.